

### پیروزی یمنی ها در معادله بازدارندگی

بازدارندگی، مقوله‌ای است که در حوزه روابط بین‌الملل، چه در حوزه نظریات کلاسیک و چه مدرن، از جایگاه خاص و سرنوشت‌سازی برخوردار است. بدون شک در مناطقی که دارای اهمیت ژئوپلیتیک یا ژئواستراتژیک هستند، معادله بازدارندگی پررنگ‌تر است. طی روزهای اخیر، شاهد تمرکز خاص آمریکا و رژیم اشغالگر قدس بر یمن و دریای سرخ هستیم. حملات اخیر دشمنان مقاومت به یمن، با واکنش سخت انصارا... در قلب تل‌آویو (به‌وسیله موشک‌های هاپرسونیک) همراه شده است. کسانی که به‌صورت کاذب، فروپاشی محور مقاومت و موفقیت پروژه آمریکایی ـ اسرائیلی در شکست نیروهای مقاومت را تبلیغ می‌کنند، متوهمانه از حذف یمن از نقشه منطقه سخن می‌گویند، حال آن‌که گذشته‌وآینده صنعا را خوبی نشانخته‌اند! بررسی صحنه منطقه‌ای مارا به پرسش‌هایی سوق می‌دهد که مؤلفه‌هایی برای سنجش سود و زیان هستند. یک قرارت راهبردی آمریکایی ـ اسرائیلی از وقایع می‌گوید که مقاومت پس از طوفان الاقصی وجهیه حمایت لبنان به تهدیدی وجودی برای رژیم اشغالگر تبدیل شده است. انصارا... توانسته به‌خوبی این قدرت را بر دشمن صهیونیستی و آمریکا تحمیل کند. در جریان تحولات لبنان، رژیم صهیونیستی به آتش‌بسی بدون دستاورد تن داد؛ یعنی اهداف اصلی کلان تل‌آویو در جنگ لبنان محقق نشد که البته در قبال یمن نیز همین قاعده صادق است. موجودیت انصارا... یمن و قدرت خاص آن در برهم زدن معادلات و محاسبات دشمن در عرصه اقدام و بازدارندگی، موضوعی نیست که بتوان از کنار آن عبور کرد. در اینجا لازم است سوآلی اساسی مطرح کنیم: آیا کلید ارزیابی شکست و پیروزی هدف قرار دادن یمن توسط آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌هاست یا قدرت صنعا در تحمیل معادلات بازدارندگی بر دشمن؟ قطعاً گزینه دوم صحیح است. کاملاً واضح است یمن با وجود ضعف اقتصادی، فقر و گرسنگی موفق شد آمریکایی‌ها را به چالش بکشد. پرستیز و ظرفیت بازدارندگی آمریکا در دریای سرخ، مهم‌ترین آبراه‌های جهانی، همان‌طور که در گزارش‌های راهبردی هر ساله ارتش آمریکا می‌گوید، با چالش مواجه شده و فراتر از آن، قدرت اقدام و واکنش یمنی‌ها، مشمول سرزمین‌های اشغالی، از ایلات گرفته تا عمق استراتژیک تل‌آویو شده است. کمی دقت در روایتگری غرب و رژیم صهیونیستی در خصوص مقاومت یمن، نشان می‌دهد که نگرانی نسبت به افزایش قدرت بازدارندگی انصارا...، خواب آشفته‌ای را برای دشمنان امنیت منطقه رقم زده است.

### اعتقاد به اصل نابودی ظلم

تحولات جاری در سوریه و منطقه، به‌طور طبیعی مولد دغدغه‌ها و سوآلاتی در خصوص آینده است. با توجه به پیچیدگی و درهم‌تنیدگی موضوعات و بازیگران، پیش‌بینی آینده ساده نیست و نمی‌توان از گزینه‌ای قطعی در این خصوص سخن به‌میان آورد. در این زمینه، از یک روند سخن می‌گوییم که قطعاً تحقق یا عدم تحقق آن تابع شرایط، مؤلفه‌ها و بسترها و حتی وقایع گوناگونی است. بنابراین، در وهله اول باید نسبت به پیچیدگی وقایع و رخدادها آگاه باشیم. اما نکته دیگری که باید در این خصوص مد نظر قرار داد، معطوف به یک اصل اعتقادی و الهی است. مطابق این وعده الهی، منجاوز و ظالم، نابودشدنی است. بر همین اساس، مصداق بارز ظلم یعنی رژیم اشغالگر قدس نیز محکوم به شکست بوده و قدرت استمرار جنایات و اشغالگری‌های خود را ندارد. بنابراین، فراتر از رصد تحولات پیچیده و درهم‌تنیده در منطقه، باید نسبت به این اصل مهم اعتقادی توجهی ویژه مبذول داشت. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که اوضاع منطقه در آینده‌ای نزدیک، شاکله و ساختاری ثابت و مستحکم به خود نخواهد گرفت. طراحی و نقشه‌ای که واشنگتن و تل‌آویو در قبال منطقه (غرب آسیا) و آینده آن صورت داده‌اند، قابل‌تعبیر نیست و روند ماجرانهایتا بر اساس اهداف تعیین‌شده آنها پیش نخواهد رفت. درک این گزاره، با توجه به تحولاتی که منطقه و نظام بین‌الملل طی دهه‌های گذشته و اخیر دیده امکان‌پذیر خواهد بود. در طول این مدت طولانی، شاهد راهبرد پر دازی‌های کلان و نقشه‌های دقیق و محاسبه‌شده‌ای در اتاق‌های فکر دشمنان امنیت منطقه، از آمریکا و رژیم اشغالگر قدس تا بازیگران اروپایی شاهد بوده‌ایم که رنگ واقعیت به خود نگرفته و اکثریت قریب به اتفاق آنها با شکست مواجه شد. بنابراین، در این روند باید به شاهد مثال‌های تاریخ معاصر نیز استناد کرد.



رژیم اشغالگر قدس به بحران‌سازی خود در سوریه و منطقه ادامه می‌دهد. هدف صهیونیست‌ها از این اقدامات، خلق بحران‌های مزمن امنیتی در دمشق و ایجاد و استقرار سوریه‌ای ضعیف و طرفدار تل‌آویو است. در این معادله، بازیگرانی مانند آنکارا و دوحه به جای بهره‌گیری از عبرت‌های منطقه و تاریخ روابط بین‌الملل، بازی در زمین صهیونیست‌ها و واشنگتن را در دستور کار قرار داده‌اند. سوآل اصلی اینجاست که تحولات جاری در سوریه، چه تاثیری بر سرنوشت مقاومت دارد و فرجام نقشه‌های شوم صهیونیست‌ها به کدام نقطه ختم می‌شود؟ در این خصوص گفت‌وگویی با حسن فضل... نماینده پارلمان لبنان صورت داده‌ایم که از نظراتان می‌گذرد.

**[۱] در روزهای اخیر شاهد تحولاتی تلخ در سوریه هستیم که آینده این کشور را نیز تا حد زیادی تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بمباران زیرساخت‌های تسلیحاتی، نظامی و حتی ترور دانشمندان سوری توسط موساد و رژیم اشغالگر قدس، از**

### تحریر الشام نگرانی صهیونیست‌ها را رفع کرد

شرایط امروز سوریه نتیجه برنامه‌ریزی‌های آمریکا و اسرائیل است که یکی از اهداف آن دسترسی به بلندی‌های جولان بود. ممکن است برخی فکر می‌کردند که در سال ۲۰۱۵ داعش سرکوب شده است، اما باید توجه داشت که در آوریل ۲۰۱۳، جبهه النصره به‌نوعی به شاخه رسمی القاعده در سوریه تبدیل شد و درواقع، آغاز شکل‌گیری اولیه داعش در این کشور به‌شمار می‌رفت. بااین‌حال در آن سال‌ها محور مقاومت با همراهی روسیه و ایران توانست در برابر داعش به‌خوبی عمل کرده، موجب شکست آنها شود، به‌طوری‌که بازماندگان این گروه‌های داعشی در ادلب متمرکز شدند. در ۹ سال گذشته، ترکیه با بهره‌برداری از شرایط منطقه و کمک به گروه‌های شکست‌خورده، با ارائه آموزش‌های مختلف سیاسی، نظامی و تسلیحاتی، آنها را به نوعی پرورش داده است. اکنون شاهد ظهور گروهی به نام تحریرالشام هستیم که از بطن جبهه النصره خارج شده و تلاش می‌کند خود را به‌گونه‌ای معرفی کند که با گذشته‌اش کاملاً متفاوت است. اما نباید فراموش کنیم که حرف این گروه‌ها همان حرف القاعده است و اکنون به ابزار دست صهیونیست‌ها مبدل شده. این گروه مدت‌ها صبر کرد و در شرایطی که محور مقاومت مشغول مقابله با رژیم صهیونیستی در مرزهای لبنان بود، از این فرصت برای پیروزی در برابر دولت مرکزی سوریه بهره برد. اقدامات آنها در شرایطی انجام شد که ترکیه با تحریک گروه‌های کرد، ارتش سوریه را به مقابله با این گروه‌ها مشغول کرد. به این ترتیب،



**حسن فضل...، نماینده پارلمان لبنان در گفت‌وگو با «جام جم»:**

# خواب تل‌آویو در سوریه تعبیر نخواهد شد

طراحی شوم در خصوص آینده سوریه پرده بر می‌دارد. نظر شما در این خصوص چیست؟ رژیم اشغالگر قدس نه فقط در سوریه، بلکه در منطقه نیز نقشه‌های شومی در سر دارد و با کمک حامیان ومهره‌های خود در منطقه و قرامنطقه سعی در اجرایی کردن آنها دارد. قطعاً آنچه در سوریه رخ داده، تحولی بزرگ و خطرناک است، به این معنا که آینده امنیتی دمشق و جایگاه کلان آن در معادلات منطقه و نظام بین‌الملل را هف قرار داده است. این‌که چرا چنین تحولی رخ داده و تحولات جاری به چه سمت و سویی هدایت خواهد شد، جای بحث دارد و سناریوهای مختلفی در قبال آن مطرح است. نمی‌توان با نگاهی سطحی تحولات جاری را

### خاورمیانه جدید رویایی که محقق نمی‌شود

سرنوگونی بشار اسد و به قدرت رسیدن جبهه النصره در سوریه طرحی اسرائیلی در راستای ایجاد خاورمیانه جدید مورد نظر واشنگتن وتل‌آویو است که از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی برای انجام آن آغاز شده‌بود. هرچند با رفتن بشار اسد و ورود و تصرف دمشق، به نظر می‌رسد که تغییراتی در این حوزه ایجاد شده اما واقعیت این است که ورود نیروهای مسلح به دمشق و تغییراتی که در این منطقه به‌وجود می‌آید، نمی‌تواند در روند کلی غرب آسیا تاثیرگذار باشد. این‌روند با تضعیف حمایت کشورهای غربی و متحدان آنها از یک‌سو و قدرتمند شدن جبهه مقاومت از سوی دیگر در خطر است و پتانسیل و عقبه حمایت از این حرکت طوفانی بستگی به تدابیر آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد. یادمان باشد که مثلث عبّری، عربی، غربی در ماجرای سوریه بیش از آن‌که خواستار روی کار آمدن دولت موافق خواست خود باشند، خواستار خارج شدن سوریه از محور مقاومت به‌عنوان یکی از حلقه‌های مهم و تأثیرگذار این جبهه بوده‌است. با وجود این تصویر یک سوریه آرام و باثبات، تصویری غلط و غیرمنطقی از جغرافیای منطقه است و به‌نوعی بر اساس توهمات و تحولاتی بوده که در کوتاه‌مدت در این منطقه به‌وجود آمده‌است. کشورهایی که از گروه‌های نیابتی حمایت می‌کنند، به این نکته که نیروهایی در قالب گروه‌های تروریستی به سوریه آمدند، چندملیتی و چندقومیتی هستند، توجه چندانی ندارند هرچند که واقعیت‌های منطقه نشان می‌دهد که اختلافات این قومیت‌ها در میان مدت‌بروز پیدا کرده‌و شدت خواهد یافت و آنها یک‌دیگر را نمی‌پذیرند.

از یک طرف کشورهای عربی- سنی به پان‌ترکیسم ترکیه بدبین هستند از طرفی اصلی‌ترین اختلاف ترکیه با سوریه، کردهای شمال سوریه است، از این‌رو کردها هم نمی‌توانند به ترکیه خوشبین باشند، علاوه بر این کردها از داعش رخم خورده هستند و هر لحظه ممکن است این رخم کهنه سر باز کند. در سوی دیگر ماجرا ترکیه با سه سیاست متفاوت در حال نقش‌آفرینی است؛ اردوغان سال‌ها پیش سیاست عثمانی را که

هوشمند در منطقه، مولفه‌های دیگری برای سنجش قدرت و تسلط بر اوضاع وجود دارد که با معیارهای دشمنان کاملاً متفاوت است. ما از ایمان رزمندگان و حامیان مقاومت به خداوند متعال و وعده‌های پروردگار مبنی بر پیروزی حق بر باطل سخن می‌گوییم. به عبارتی گویاتر، ما همگی به گفتمان مقاومت وابستگی وتعلق داریم و ایمان و اعتقاد ما مهم‌ترین عناصر قدرت ماست. این عناصر قدرت، در بزنگاه‌های مختلف تبلور پیدا کرده و دشمن را در مقاطعی که تصور آن را نمی‌کرده، به زانو در آورده است. در تحولات اخیر منطقه و در روندی که منتج به پذیرش آتش بس از سوی دشمن صهیونیستی شد، این معادله گویا بود. اکنون بسیاری از محافل داخلی در اراضی اشغالی این سوآل مهم را از نتایج و همراهانش می‌پرسند که چرا با وجود هجمه‌های همه‌جانبه صهیونیست‌ها به لبنان، حتی یک وجب از خاک جنوب (لبنان ) اشغال نشد؟ چرا مقاومت لبنان همچنان در صحنه حضور دارد و به عنوان جنبشی بویا، به حیات مقدس خود ادامه می‌دهد؟ در مقابل، شکست خوردگان صهیونیست پاسخی برای این سوالات ندارند.

**[۲] به رابطه میان حزب... لبنان و به طور کلی، گفتمان مقاومت و مردم اشاره کردید. طی سال‌ها و ماه‌های اخیر دشمنان مقاومت تلاش زیادی کرده‌اند تا مردم را در مقابل مقاومت قرار داده و از طریق خلق هدفمند این معادله، مانع از استمرار این پروند عمیق شوند. با این حال امروز دشمنان اذعان می‌کنند که به اهداف خود در این خصوص دست پیدا نکرده و برعکس، شاهد تعمیق این رابطه در لبنان و دیگر کشورهای حامی مقاومت هستیم. تحلیل شما از این روند چیست؟ دقیقاً همین طور است. ما پس از خداوند متعال، قدرت خود را از مردم می‌گیریم. فراموش نکنید که مردم نیز با فطرت پاک خود ماهیت مقاومت، اصالت و حقایق آن را درک می‌کنند. همان گونه که اشاره شد، ما از یک پیوند عمیق سخن می‌گوییم که از سوی اتاق‌های فکر دشمنان صهیونیستی و دیگر دشمنان امنیت منطقه قابل محاسبه نیست. ما عازار از شهروندان زیادی هستیم که در ته‌جام و نسل‌کشی رژیم اشغالگر قدس به شهادت رسیده‌اند اما این موضوع، به در هم شکسته شدن اراده مردم منجر نشده‌است. در سال ۲۰۰۶ میلادی نیز در حین جنگ و حتی پس از موفقیت میدانی حزب... دشمنان تلاش و قیچانه‌ای در خصوص ایجاد شکاف میان ملت لبنان و حزب... صورت دادند اما چیزی جز شکست نصیب آنها نشد.**

## حمله تروریستی آلمان را در بهت فرو برد

در حادثه روز جمعه، ۲ کشته و ۶۰ نفر زخمی شدند



روزی‌های اخیرش دولت آلمان را به فرام‌کردن فضای گسترش اسلامی‌سازی و آزار و اذیت پناهجویان زن عربستانی متهم کرده بود. یک مقام شناسان هم به واشنگتن پست گفت که تصور می‌شود که او هنگام حمله، تحت تأثیر مواد مخدر بوده است. به گزارش بی‌بی‌سی، او که آنیست (خداناباور)

است، نمی‌توانست این‌گونه نظرات خود را در عربستان ابراز کند و بعد از رفتن به آلمان، وبسایتی را راه‌اندازی کرد تا به همفکران خود برای فرار از

عربستان و منطقه خاورمیانه کمک کند. براساس گزارش‌ها، او در ارتباط با اتهامات مرتبط با تروریسم و قاچاق دختران از منطقه غرب آسیا به اتحادیه اروپا هم تحت تعقیب عربستان سعودی بوده است؛ با این حال، آلمان از استرداد او به عربستان سعودی خودداری کرد و به‌رغم این اتهامات، به او پناهندگی داد. با وجود چنین پیشینه‌ای، رئیس پلیس ماگدبورگ (شهری که در آن حمله رخ داد) گفته، در حالی که اقدامات مظنون شباهت‌هایی با حملات گذشته مثل ترآزدی بازار کریسمس سال ۲۰۱۶ برلین دارد، شواهدی مبنی بر هماهنگی یا برنامه‌ریزی با شبکه‌های بزرگ‌تر یا ارتباط با گروه‌های افراطی وجود ندارد و از نارضایتی‌های شخص تأثیرات ایدئولوژیک به عنوان انگیزه‌های احتمالی نام برده‌است.